

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.  
نَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا نُحِبُّ وَ تَرَضَى.  
اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا.  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.

## انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم

در محضر اساتید و بزرگواران، سروران حقیر خیلی احساس شرمندگی می‌کند که وقت گران‌بهای عزیزان را تلف کند آن هم در موضوع خاصی که فرمایشات رهبر عظیم‌الشأن در این چهل سالگی .... حالا چون عزیزان امر فرموده‌اند، بنده از باب امتثال امر مطالبی را عرض می‌کنم. ان شاء الله خداوند توفیق دهد و از لطف و کرمش جبران کند، بالاخص از تواضع بزرگواران بهره می‌بریم.

در مورد خود بیانیه، اول باید توجه کرد که کلام در چه جایگاهی است؟ چون این در تحلیل مسائل، قابل توجه است، که کلام کی بیان می‌شود؟ در چه شرایطی بیان می‌شود؟ از چه شخصیتی صادر می‌شود؟ در چه موضوعی مطرح می‌شود؟ سیاق این کلام چی هست؟ همه این‌ها دلالت دارد بر اهمیت مطلب که باید توجه داشت.

توجه دارید که خود آغاز پیروزی در جایگاه خودش، و خود چله که امسال برای چله عنایت ویژه بود، چله انقلاب بحثی هست که قابل توجه است که اگر یک حرکتی، یک امری، یک عملی چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال، اگر عمری را گذر کند، این در تثبیت حقیقت خود، در تأثیر ظهور قوای باطنی خود، در به فعلیت رساندن اسرار در عالم قوه خود، و در پایه بودن بر ادامه این راه و این کار و این عمل در روند خود، یک تأثیرات خاص خودش را دارد. حالا بگذریم که این یک موضوع خاصی در اهمیت چله است، در آثار و برکت آن که وقتی انقلاب این چهل سال را با آن قدرت و اقتدار در برابر همه ناملازمات و توطئه‌هایی که حتی بعضی از این توطئه‌ها، ابر قدرتی را ساقط می‌کرد و بعضی از این توطئه‌ها حتی ابر قدرت‌هایی را با همه پشتیبانی‌ها ساقط می‌کرد، از این‌ها گذر کند و مستقیم قایم بایستد، خود این مطلب پیام‌هایی دارد که احتیاج به یک جلسه ویژه خودش را دارد.

## طرح بیانیه گام دوم انقلاب از سوی رهبری حکیم و فرزانه

همچنین این پیام از شخصیتی صادر می‌شود که وقتی زندگی این شخصیت را مطالعه کنیم، فقط متخصصین در هر رشته، بعدی از ابعاد این شخصیت را می‌تواند در حد ظرفیت خود بشناسند، این هم باز مطلب قابل توجهی است. شخصیتی که از دامان کدام شخصیت پرورش یافته است؟ از همان بچگی، قبل از تولد و از سلاله رسول خدا که امام امت بر آن اشاره داشتند، از حیث تربیتی، از حیث تحولات بسیار سخت زندگی از همان دوران کودکی خود، از حیث علمیت، از حیث جهاد و ....، یعنی هر کدام را که نگاه می‌کنیم همه در اوج بودند، در مسئله جهاد، در ورود به

میدان جنگ حتی در جنگ‌های چریکی و یا منظم و نامنظم، در فضاهاى حوزوى، در فضاهاى هنرى، در رشته‌هاى مدیریتی در تمام ابعادش از اوج خودش تا پایین‌ترین مراتب، در هر تک‌تک این‌ها که خود یک بُعدی از ابعاد وجودی چنین شخصیتی است، این‌ها یک طرف و اینکه انسان در این امواج و در این ابعاد نلغزد و بتواند یک شخصیت ثابتی را در تمام شرایط و قضایا داشته باشد، این‌ها یک بحث‌هایی است از حیث مطالعات شخصیتی که هر چه در آن غوطه‌ور بشویم، در نهایت باید اظهار عجز بکنیم که چنین شخصیتی، همه‌اش در میدان‌های عملیاتی نه صرفاً نظری و تئوری، به هر حال تا به مقام ولایت برسیم و شخصیتی که ولایت ایشان را خبرگان بالاتفاق آنطور تایید بکنند و آنطور بزرگان و صاحب نظران و اولیای الهی تمجید بکنند، انسان فقط حیران است در عظمت چنین شخصیتی که فقط باید اذعان کند که عاجز هستیم از درک اینکه این بیانیه از چه شخصیتی صادر می‌شود!! و جمع‌بندی این انقلاب از آن روزی که از صفر شروع شده تا امروز، یک جمع‌بندی قابل توجهی است که از روزی که این انقلاب از صفر شروع شد، البته پیدا است که این از حیث شکل‌گیری از صفر شروع شده است و الا از حیث مبانی و جوهره، همان ادامه راه انبیاء علیهم‌السلام است که در خود بیانیه به آن اشاره شده است و در نهایت خط سیر آینده در این بیانیه مطرح می‌شود که سیاق کلمات طوری است که کلمه کلمه آن‌ها جا دارد باز شود و می‌توان گفت به یک دوره تدریس نیاز دارد که کلمه کلمه این بیانیه، مطالب باز شود، برای اینکه در موضوعات مختلف به اجمال و اشاره گذشته شده است و لذا محال است که در این چند دقیقه کوتاه این بیانیه تحلیل و بررسی شود.

### جمع‌بندی انقلاب از گذشته تا آینده در بیانیه گام دوم

در نهایت می‌توان عرض کرد که این بیانیه اگرچه فرمایشات این مرد الهی در تمام دوران‌ش حتی متخصصین فرمایشات ایشان را در دوران قبل از انقلاب که فرموده است بررسی می‌کنند، با اینکه امروز رهبر است می‌بینند هیچ تناقضی در آن‌ها وجود ندارد و در تحلیل این قضیه یک تحلیل جالبی است از فرمایشات ایشان در دوران قبل از انقلاب، در دوران حکومت و ریاست جمهوری، دوران رهبری، دوران تبعید، در تمام مقاطع زندگی اگر صحبت‌های ایشان را که کنار هم بگذاریم تناقضی در آن بوجود نیاید این یک مطلب قابل توجهی است. اگر چه همه آن‌ها می‌توانند سند باشند اما جایگاه این بیانیه به لحاظ شرایط خودش با مختصر اشاره‌ای از توصیفاتى از آنچه شد، از گذشته و جمع‌بندی انقلاب تا آینده‌ها می‌تواند یک سندی باشد که آن را فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند پیش رو بگذارند و بر اساس آن برنامه‌ریزی‌ها و حرکات و فعالیت‌های خودشان را تنظیم نمایند و جا دارد که فعالین فرهنگی، فعالین سیاسی، اجتماعی، خدماتی، فرهنگی، اقتصادی و غیره که آن‌ها هم یک دور بر اساس این بیانیه یک جمع‌بندی در میدان عملیاتی خود داشته باشند و برنامه‌ها و طرح‌های بعدی خود را بر اساس این بیانیه تنظیم کنند.

این مختصر اشاره‌ای در خصوص جایگاه این بیانیه بود، که جایگاه یک سخن به اهمیت آن سخن توجه می‌دهد. همانطور که عرض شد توضیح و تحلیل این بیانیه نیاز به یک دوره آموزشی دارد، و در این مدت کوتاه نمی‌توان به طور کامل ارائه کرد و بنده به عنوان نمونه به چند نکته از عمق بیانات این کلمات نورانی اشاره می‌کنم.

## زمینه‌سازی ظهور از مهم‌ترین بخش‌های بیانیه گام دوم انقلاب

یکی از کلماتی که عرض کردیم با این نگاه در جوهره کلام، که وقتی اینجا به کار می‌رود، ما آن‌ها را به توجه معنا ضریب بالا بزنیم و تلقی نشود که یک کلمه و سخنی آمد و گذر کرد بر آن معنا و توجه، یکی و البته بالاترین و مهم‌ترین کلامی که در این بیانیه بسیار می‌درخشد و همه آن‌ها در شعاع آن درخشش خیره‌کننده قرار گرفته است، امید به ظهور حضرت و توجه به ظهور حضرت و اتصال این انقلاب به تمدن بزرگ اسلامی و آماده شدن برای ظهور حضرت است که مطلب در این بیانیه خیلی درخشان است و جا دارد انسان مرتباً آن را چندین بار هر از گاهی بخواند و از آن روحیه و امید و انرژی و حرارت و قدرتمندی و تمام توان خود را از آن تغذیه کند.

## مأموریت جوانان در گام دوم انقلاب

خطاب به جوانان می‌فرماید: «دهه‌های آینده، دهه‌های شماسست و شما باید کار آزموده (هر یک از این واژه‌ها جای بحث دارد) و پرائگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش (آرمان بزرگ انقلاب) که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواح‌نافداه است نزدیک کنید».

این مطلبی است که قابل توجه است، ارتباط اینکه بزرگان در آن سطح که اگر بخواهند بویژه در خصوص ظهور حضرت مطلبی را بیان فرمایند به لحاظ رعایت خیلی از محظورات، مخصوصاً اینکه در روایات ورود بر این حقیقت بزرگ ممنوع شده است؛ لذا با یک اشاره، با یک کنایه و ایما و گریز حاشیه‌ای، از آن رد می‌شوند و این خودش برای اهل معرفت مطلبی نیست که از آن ساده گذر کنند.

## دلایل ضرورت شناخت ماهیت انقلاب

دوم اینکه ماهیت این انقلاب را تعریف کرده‌اند و اینکه ماهیت انقلاب چیست؟ عبارت‌هایی که در این بیانیه آمده است اشاره به مشکلاتی در جامعه دارد، اینکه بعضی‌ها، همه جا این عبارت بیانیه را پر کرده‌اند که انقلاب اسلامی همواره آماده تصحیح خطاهای خویش است، با عبارت درشت بعضی از این موارد را همه جا پر کرده‌اند، این قابل توجه است! اگر حسن ظن کنیم و این گروه‌ها نظرشان این باشد که این انقلاب چقدر ارزشمند است و چقدر عاشق حق است که حاضر است که اشتباه‌ها و خطاهای خود را بپذیرد، در برابر اصلاح لجاجت نیست، چرا که این از ویژگی‌های دیکتاتورها و مستبدین روحیه‌های قلدر است که هیچ وقت اشتباه خود را نمی‌پذیرند و بر اشتباه و خطاهای خود اصرار هم می‌ورزند، لجاجت هم می‌کند؛ حالا با این نگاه حسن ظن بکنیم که این مطلب را از میان این همه مطالب مهم درشت کرده‌اند، از میان مطالب فوق‌العاده تعیین‌کننده، جهت‌دهنده در این بیانیه این دو تا کلمه را همه جا بزرگ کرده‌اند بر فرض اینکه حسن ظن کنیم، مطلب همین هست؛ اگر سوءظن هم بشود این هم که دیگر واضح هست، اگر مگس این طرف و آن طرف را می‌گردد و یک جایی را پیدا می‌کند که متناسب شرایط تغذیه‌ای اوست بدون اینکه درست

بفهمد، که این عبارت‌هایی که در این بیانیه آمده است جایگاه خطا و اصلاح خطا از چه قرار است! که ان‌شاءالله اگر توفیق شد در این جلسه و اگر نشد در فرصت‌های بعد عرض می‌کنیم. اگر ما به ماهیت انقلاب توجه کنیم به خودی خود اگر خطاهایی هم مورد نظر هست، آن‌ها خطاهای شکلی هستند و خطای شکلی با توجه به ماهیت عمل اصلا معنای خاص خودش را دارد، و این را نمی‌شود بعنوان خطا از زاویه انحراف نگاه کرد؛ مثلاً، شما انگشتی که از جنس طلا است اگر شکلش تغییر کرد، فرض کنید کج شد، خرد شد، هر وضعی پیدا کرد، شما نمی‌گویید که آن را در سطل آشغال بیندازند؟ این شکلش عوض شده، اولاً ماهیت آن که مدنظر است آن قابل بررسی است، و ثانیاً اینکه این خطاهایی که مورد نظر هست از چه نوع خطاهایی هستند؟، این خطاها از کجا نشأت گرفته‌اند؟ و چطور شده که این خطاها پیش آمده است؟ و این‌ها همه در خود بیانیه آمده است، و اصلاً آن خطایی که مورد نظر بعضی از مغرضین است که اینطور درشت کرده‌اند این کاملاً متفاوت است و خود این موضوع که آماده تصحیح خطاهاست این خودش یک بحث مستقلی را می‌طلبد که معلوم شود اولاً این خطاها چی هستند؟ کدام موارد هستند؟ چطور شده است؟ عللش چی بوده است؟ بعدها در ادامه این خطاها چه اتفاقی افتاده است؟ نسبت آن در روند انقلاب چه بوده است؟ و مسائل دیگری که باز جا دارد در آن بحث شود که ما فعلاً یک مختصر اشاره‌ای به تعریف ماهیت انقلاب اشاره می‌کنیم.

### شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده انقلاب اسلامی

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد؛ اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند، هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دلزده شوند. هرگاه دلزدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها».

### همبستگی عمل به وظایف انقلابی با فطرت، تزکیه و تربیت نفس

بحث ماهیت، عبارت اخرای همان فرمایش حضرت امام راحل هست که این انقلاب را یک حرکت فطری انسان‌ها معرفی می‌کند و این همان هست که حضرت ابراهیم علیه‌السلام در دعوت مردم به خدا، به فطرت آن‌ها و به فطرت آسمان‌ها و زمین توجه می‌دهد، این همان هست که قرآن ما را دستور می‌دهد که باید توجه خود را به دین فطری بکنید. این قسمت از معنای تعریف ماهیت شعارهای انقلاب یک نگاه عمیقی به ما می‌دهد که ما وقتی انقلاب را با آن نگاه توجه کنیم دیگر هیچوقت در عمل به وظایف انقلابی آن را جدای از دین، فطرت، تزکیه نفس و تربیت نفس نخواهیم دید. فعالیت خالصانه و مخلصانه در اطاعت اوامر ولی امر مسلمین در یک انقلاب فطری، خودش یک میدان‌های پیچیده سیر تربیت نفس را به ما باز کرده است؛ البته در این بیانیه عبارت‌های جالبی هست که این معنا را خوب باز می‌کند و آنچه را که در ظاهر تضاد تلقی می‌شد به برکت انقلاب وسیله تربیت زیبا قرار می‌گیرد که باز این یک بحث

مهمی است که ان شاء الله در جای خود باید بیشتر باز شود که اساساً هدف خلقت در همین عالم طبع همین بوده و همین هست! که در درگیری‌ها وضعیت تربیت نفس بصورت جدی و واقع‌بینانه ظهور و بروز نکند تا ما در فضای عملیاتی جدی قرار نگرفته‌ایم، صرفاً یک مرحله‌ لایه ذهنی و فکری خود را می‌گذرانیم که بر این امر، آیات و روایات و سیره انبیا و اوصیا علیهم السلام و مخصوصاً سیره بزرگان دین در این برهه‌های زمان اثبات کننده این حقیقتی است که ان شاء الله در جای خود این سرفصل مفصل باید بحث شود.

## خودسازی انقلابی

پس در این نگاه ما را دوباره دلگرم می‌کند، یک آرامش ثابتی در ما ایجاد می‌کند که اگر در کنار تحصیل و تربیت فردی وارد میدان‌های سخت مجاهده‌ای در این انقلاب قرار بگیریم مطلقاً نگران این نیستیم که عمرمان ضایع شده است و یا اینکه خدای نکرده کاری بیهوده انجام داده‌ایم؛ و ای بسا حق این است که در کوتاهی در این وظایفی که امام امت رهبر عظیم الشان، ولی امر مسلمین وقتی خطاب به جوانان می‌کند در جاهای متعددی معلوم می‌شود خطابش به جوانان است در ادامه این چله‌ای که با آن خواص تکوینی و طبعی و وضعی خودش دارد؛ و اینکه خطاب به جوانان با آن ویژگی‌هایی که هست، باز یکی از موارد مهمی است که ما نباید این خطاب‌ها را به دیگر جوانان معطوف بداریم و باید خودمان را بعنوان یک جوانی که در آن بهره می‌بریم هم مخاطب قرار دهیم و نسبت به آن وظایف بعنوان یک امر مولا توجه کنیم و نسبت به آن برنامه‌ریزی داشته باشیم. اگر تا دیروز این خطاب‌ها مستقیم نبود، شاید تلقی این بود که خوب من که حالا جوان هستم، تجربه ندارم و فعلاً در مسیر تحصیل هستم، اما وقتی با آن عبارت‌هایی که آمده اینطور مستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرد مطلب قابل توجهی است.

## دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی

در بخش دیگری از این بیانیه توجهی است، یک روش حرکت است که خصوصاً بعد از پیروزی و تثبیت انقلاب این مسئله خیلی مورد اختلاف بعضی از گروه‌ها قرار می‌گرفته است، این در دو سه کلمه اما جهت دهنده و تعیین کننده دو اندیشه‌ای که مرتباً از هم می‌خواهند فاصله و زاویه بگیرند، زاویه گرفتن این دو طرز تفکر در آینده منشأ خطرات و مصیبت‌هایی است که معظم له در اینجا آن را جهت داده است؛ «**میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند**»؛ زاویه و فاصله این است که به مرور برخی می‌گویند ما فقط باید جوشش انقلابی داشته باشیم و به اصطلاح باید نهضتی و جنبشی باشیم و تمام کارها را بایستی انقلابی پیش ببریم، قانون بی‌قانون، مسئول بی‌مسئول این‌ها دیگر به درد نمی‌خورد ما باید وارد صحنه بشویم و کارها را باید انقلابی پیش ببریم؛ این یک نگاهی است که گاهی ظهور و بروز دارد.

## رعایت مژ قانون در همه زمینه‌ها

نگاه دوم این است که نخیر آقا، الان کشور قانون دارد، حضرت امام آن زمان حتی یک سال را مخصوص قانون تعیین کرد، سال قانون! و به قول حضرت آقا در همه چیز باید مَرّ قانون رعایت شود، و هر کار و هر اتفاقی جدای از قانون انجام شود اصلاً ربطی به انقلاب ندارد، و خودش یک کار ضد انقلابی است. همین را یک عده عنوان کردند، چقدر دست و پای نیروهای حزب اللهی و انقلابی را می خواهند ببندند و به بهانه قانون چقدر از امور مبنایی حتی انقلاب را تعطیل کنند، و جامعه دارد به دو قطب تضاد عجیبی تحت این عنوان پیش می رود، اگرچه ظهور واقعی در بیرون گهگاهی مواردی اتفاق بیفتد که پیش بیاید، اما آنطوری که از روش فعالیت های گروه های سیاسی پیداست و از محتوای روش های تربیتی که برای تشکیلات خودشان، نیرو تربیت می کنند و از روش تربیت نیروهای آنها پیش بینی می شود، این ها منتظر یک فرصتی هستند که قبل از اینکه دشمن ما را بکوبد، این ها همدیگر را بکوبند؛ کما اینکه از طعنه زدن ها در فضاهای مجازی، متأسفانه گاهی ترشحاتی از این دو حرکت مضر ظهور و بروز دارد و حضرت آقا در این بیانیه برای هر دوی این ها یک جهت مشخصی تعیین می فرماید که مبدا افراد در این دو نگاه، اگر نگوییم انحرافی، بلکه سوءاستفاده گرایانه، پیش بروند و قطب بندی کنند.

### همسویی جوش انقلابی با نظم سیاسی و اجتماعی

خیلی مطلب قابل توجهی است! جوش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی!، تضاد و ناسازگاری نمی بینند. پس ما چطور باید تربیت شویم؟ چطور تشکیلات خود را جهت بدهیم؟ چگونه نیروسازی کنیم که پس از مدتی نه به اصطلاح بی حساب و کتاب به نام کار انقلابی فعالیت کند، بکوبد، تهمت بزند برای افرادی که نمی خواهند بدون قانون کار کنند و به قانون احترام می گذارند، و چگونه باید تربیت و نیروسازی کرد تا آنهايي هم که قانون مدارند معنای قانون را درست بفهمند و تخصصی در کانون و بخش نامه ها و آیین نامه ها استفاده کنند.

در یک اداره ای یک عده افرادی جمع می شوند و به هوای نفس خودشان چهارتا آیین نامه درست می کنند به زیر مجموعه خود می برند و می گویند قانون قانون!، در حالی که خود این ضد قانون است، این آیین نامه و بخشنامه بر اساس کدام ماده قانون مدون شرعی کشور است؟! باید این ها را جواب بدهند. هر بخش نامه و آیین نامه که از موقعیت سوءاستفاده کند و بگوید من دستور صادر می کنم پس قانون شد!، دست و پای یک حرکت نورانی را بگیرد و بگوید اگر تکان بخوری خلاف قانون کردی! اینطور نیست؛ این ها اصول دارد، خود قانون تعریف دارد.

این مطلب یک سرفصل مستقلی است که به هر حال جا دارد این موضوع دقیقاً بررسی شود و تعریف روشنی از قانون، و قانون بودن قانون، و تفسیرهای مربوط به آن، مبانی تدوین بخشنامه ها، آیین نامه ها، اساس نامه ها و مسائل دیگری که یکی از مطالبی است که در جامعه از نکته های قابل توجه فعالان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که حضرت آقا در اینجا به این نکته توجه دادند که اگر ما این دو تا را درست بشناسیم خواهیم دید که هیچ تضادی با هم ندارند؛ پس این یک مطلبی است که برای درست شناختن انقلاب و نظم سیاسی که ان شاء الله در وقت خودش باید باز شود.

### آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه صفر



یک مطلب هم مربوط به الگوی انقلاب است که اشاره می‌فرماید که این انقلاب از هیچ جایی الگو نگرفته است، البته در شکل انقلاب نه در ماهیت انقلاب که همان ادامه راه انبیاء علیهم‌السلام است و در شکل‌گیری از صفر شروع کرده و هیچ الگویی را نپذیرفته است. چرا حضرت آقا در این بیانیه به این نکته اشاره دارد؟ برای اینکه یک عده از افکار التقاطی که در بحث بین قانون و انقلاب اختلاف ایجاد می‌کنند، استنادات آن‌ها به بینش‌های مارکسیستی است که از اول این بوده، حتی قبل از انقلاب خوف این بود که در این کشور یک انقلاب مارکسیستی اتفاق بیفتد که البته آیت‌الله علامه طباطبایی رضوان‌الله تعالی علیه در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، بینش‌های خطرناک به اصطلاح دکتر ارانی را، پنبه‌شان را باز می‌کند و خیلی زیبا این‌ها را روشن می‌کند و شهید مطهری که در پاورقی آن مطالب علامه را به زیبایی باز کرده و آنقدر شریف‌فهم کرده که حتی یک دانش‌آموز دبیرستانی هم بتواند این‌ها را بفهمد. آن موقع که در دانشگاه‌ها این نفوذ خطرناک را داشتند، امام رضوان‌الله تعالی علیه در انقلاب، این حرکت را به دنیا اثبات کرد که این انقلاب ما هیچ ربطی به روش‌های انقلاب‌های مارکسیستی، فرانسوی، روسیه‌ای، هندی و ... ندارد کسی فردا نیاید بگوید که ما نمونه این انقلاب را در هندوستان، فرانسه، روسیه هم داشتیم؛ مخصوصاً آن انقلابی که در آن اوائل خیلی‌ها می‌خواستند شباهت‌هایی را با انقلاب مارکسیستی درست کنند؛ که باز یک بحث خیلی خاص خودش را دارد. اگرچه الحمدلله به برکت پیروزی انقلاب این بینش‌ها و خطرات مهلک که می‌خواست بر پیکره انقلاب وارد شود که هر گروهی برای تشکیلات خودش می‌خواست انقلاب را از آن خودش تلقی بکند، که امام رضوان‌الله تعالی علیه در همان روزهای اول با آن ظرافت‌های مدیریتی، صلابت مدیریتی، نورانیت ایمانی و عبودیت الهی نه برای ملت بلکه برای همه دنیا و همه گروه‌ها بدون استثنا اثبات کرد که این انقلاب از هیچ گروهی، از هیچ اندیشه‌ای، از هیچ روش انقلابی مدل برداری نکرده است؛ مدل و شکل حرکت آن منحصرأز خود انقلاب بوده و برگرفته از ایمان، معرفت و اسلام ناب بوده است. و این یک مطلبی است که هنوز هم در نگاه‌های فتنه‌گران این مسائل را ول کن نیستند که حضرت آقا توجه به آن داده است و این مطلب قابل توجهی است. «هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه به دست نیامد». حالا بنده به عنوان نمونه این تکه از متن را خواندم تا عنایت داشته باشیم که ان‌شاءالله کلمه این بیانیه یک مجموعه‌ای است از قضایای این چهل سال از شروع از صفر انقلاب که از هیچ الگویی، از هیچ انقلاب، و هیچ روش حکومتی و مدیریتی در شکل‌گیری و در ماهیت، الگو برداری نکرده است. این باز شود که چگونه این اندیشه‌ها در روند کارها دخالت داشتند و زمینه نفوذ شدند و مطالب دیگری که از آن‌ها می‌گذریم.

**شناخت گذشته راهبرد مهمی که نباید از آن غفلت شود**

یک گلایه‌ای هم که حضرت آقا دردمندانه و دغدغه‌مندانه و در عین حال خیلی مهربانانه بیان فرموده‌اند سریع می‌خوانیم و عرایضم را تمام می‌کنم، ان‌شاءالله خود عزیزان مطلب را می‌گیرند بنده فقط می‌خوانم و می‌گذرم. می‌فرمایند: «آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد»؛ این یک مطلب! در جای دیگر می‌فرمایند: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود دروغ‌ها بجای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. (این‌ها هشدارهای پیش روی ما هستند که قابل توجه می‌باشند!)، دشمنان انقلاب با انگیزه قوی، (ما مدام می‌خواهیم می‌گوییم حالا حوصله ندارم ولی دشمن همچنان با انگیزه کار می‌کند) تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند (حالا با حضور شاهدان عینی که هنوز نسل جنگ و نسل انقلاب کلا در کشور پایان نیافته است و خود حضرت آقا یک شاهد عینی قضایا است، رزمندگان ما، فرماندهان جنگ و سرداران شاهد عینی قضایای انقلاب و جنگ بودند حالا با وجود این شاهد‌های عینی اینقدر دارند پرویانه گذشته انقلاب را تکذیب می‌کنند و زیبایی‌ها را اینطور دارند قلع می‌کنند، این هشدار است که بعد از پنجاه سال دیگر چی؟ نسل‌های بعد چی؟ حتی زمان حال را دنبال می‌کنند) و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید». (این پیاده نظام مطلبی است که باید در این بیانیه بر آن توجه کرد).

### بی‌توجهی به شعارهای انقلاب، ریشه مشکلات

در بخش دیگری از بیانیه می‌فرمایند: «و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود- که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی‌شک دست آوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی کشور وجود نمی‌داشت». در یک بخش دیگر از سیاق همین فرمایش که در واقع به نوعی گلایه و رنج‌نامه است، اما در عین حال خیلی مهربانانه؛ رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمت‌گزار به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است»، (این‌ها بودند، این‌ها نمی‌گذارند، این‌ها مشکل‌زا هستند).

### ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

در یک عبارت دیگر می‌فرمایند: «جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچندگاه از زبان



و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود». برای ما این‌ها کد هستند، وظیفه‌های برنامه‌ریزی برای پیش‌رو هستند، همین حرکت‌های عزیزان که بصیرت‌آفرینی همراه با تربیت نفس و با مهارت‌افزایی و علمیت، مبنای کار و فعالیت قرار داده‌اند در واقع همان اطاعتی است که در این بیانیه آمده است.

### سبک زندگی صحیح؛ عامل تداوم انقلاب

آخر فرمایش ایشان درباره سبک زندگی است: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، (مثلاً نمونه این جشن تولد گرفتن یک بی‌لیاقتی، جشن با امکانات دولت در مکان و شرایط خاص به نام یک چهره رسمی جامعه و بدعت در آن شرایط خاص می‌خواهد سبک زندگی به ما یاد بدهد این‌ها نکاتی است که دردمندانه جهت‌دهی مبارزات را برای خودش...)، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهاد همه‌جانبه (درخانه خوایدن، با این مبارزات نمی‌سازد!) و هوشمندانه (نه احساساتی به نام انقلابی بودن و نه خموشی به نام مُرّ قانون) می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است».

ان‌شاءالله خداوند توفیق بدهد، بتوانیم مضامین بیانیه را آنطور که خشنودی قلب نازنین رهبر عظیم الشانمان و دلسوزان انقلاب و بزرگان دینمان، مراجع و فقهای عظام و همه دست‌اندرکاران و مسئولان دلسوز به اسلام و در راس آن‌ها خشنودی آقا امام زمان علیه‌السلام قرار بدهد صلواتی ختم کنید.